

## تبیین نوگروی حاد در نوگروندگان دینی شهر تهران<sup>۱\*</sup>

زهرا فیضی<sup>۲</sup>، الله کرم کرمی پور<sup>۳</sup>، حسن محدثی گیلوایی<sup>۴</sup>

### چکیده

این مقاله با رویکرد روش‌شناختی کیفی و با روش تحلیل روایت انجام شده است. نمونه مشارکت-کننده، نوگروندگان دینی حاد در شهر تهران بوده که به شیوه نمونه‌گیری هدفمند و از طریق گلوله برفی انتخاب شده‌اند. در این مقاله، با ۲۰ نفر از این نوگروندگان مصاحبه‌روایی انجام شد که ۱۹ نفر آن‌ها اطلاعات دقیق در خصوص تغییر دین خود ارائه داده‌اند و تحقیق نیز با این تعداد به اشباع داده رسید. یافته‌ها نشان داد که در مجموعه علت‌ها، علت‌های اجتماعی-سیاسی، اجتماعی-روانی، اجتماعی-رابطه‌ای بیش‌ترین علت‌های تغییر نظام اعتقادی در میان نوگروندگان بوده‌اند. این تحقیق نشان داد که مراحل تغییر نظام اعتقادی در شهر تهران غیر از آن چیزی است که در نظریه‌های کسانی چون رمبو، لافلند و استارک آمده است. نتیجه نهایی این است که بی‌ثباتی اجتماعی-سیاسی ناشی از عملکرد کارگزاران دینی و ناامنی و آشفتگی روانی از مهم‌ترین علل تبیین‌کننده نوگروی دینی هستند. **کلیدواژه:** نوگروی دینی، ناامنی روانی، بی‌ثباتی اجتماعی-سیاسی

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴؛ تاریخ تایید: ۱۴۰۲/۰۶/۱۶)

Doi: <http://10.22034/JSI.2023.550044.1548>

\* مقاله علمی پژوهشی؛

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری رشته‌ی دین پژوهی است.

feizi.z.58@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری دین پژوهی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران

۳. عضو هیئت علمی دین پژوهی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول)

karamip49@gmail.com

۴. عضو هیئت علمی جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران

mohaddesi2011@gmail.com

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره بیست و سوم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱، ص ۹۳-۶۹

## ۱. مقدمه و بیان مسأله

دین یکی از عناصر مهم و اثرگذار در زندگی انسان است که از ابتدای تاریخ تاکنون به شکل‌های گوناگونی نقش ایفا کرده است. در بررسی‌های اولیه، رویکرد مورد نظر در تحلیل موضوع دین، بیشتر الهیاتی بود لیکن بیش از یک قرن است که بحث از دین و مسائل مربوط به آن در حوزه‌های دانشی غیر از الهیات مطرح است. یکی از این مسائل، نوجویی یا تغییر نظام اعتقادی<sup>۱</sup> است. بر اساس نگاهی که در جامعه سنتی وجود دارد، انسان‌ها معمولاً با دین والدین‌شان زاده می‌شوند و با همان دین دنیا را ترک می‌کنند. در واقع در جامعه سنتی «بیش از آن که دین‌داری، امری پیش‌اندیشیده و حاصل کنش‌های انتخابی فرد باشد، نتیجه شرایط خانوادگی و اجتماعی فرد است» (انصاری، شجاعی زند، شریعتی، ۱۳۹۴: ۴۰). لیکن در جامعه مدرن، نوجویی یا تغییر نظام اعتقادی آسان‌تر از قبل است. «بسیاری از کودکان در جوامع مدرن به نحو دینی تربیت نمی‌شوند. بسیاری از آنان چه بسا در جوانی و بزرگسالی خود باید چتر اعتقادی- معنوی خود را برگزینند و برسر بگیرند ... جوانان از آغاز جوانی و چه بسا در سال‌های انتهایی نوجوانی در جهت مستقل شدن در خانواده گام بر می‌دارند. حتی در خانواده‌های متدین غربی از آغاز جوانی واجد تجربه‌های متنوع می‌شوند و در معرض ارتباط با گروه‌های مختلف قرار می‌گیرند... جوانان اغلب در انتهای دهه دوم زندگی‌شان مستقل شدن را تجربه می‌کنند. فقدان جامعه‌پذیری دینی بسیار کوتاه مدت، آن‌ها را از نظر دینی یله بار می‌آورد. لاجرم افراد خود می‌باید در وقتی که نیازهای معنوی‌شان حاد می‌شود و یا وقتی که کششی معنوی در آنان ایجاد می‌شود، به این مطالبه درونی برحسب امکانات موجود و دسترس‌پذیری گروه‌ها و مکاتب دینی و معنوی پاسخ دهند. آنانی که دچار بحران هویت‌اند، یا خلأ معنوی را تجربه می‌کنند، ناچار می‌باید راهی برگزینند و این راه معمولاً همان راه‌های در دسترس است» (محدثی، ۱۳۹۹).

این مسأله در جامعه‌ای هم‌چون ایران تا پیش از چند دهه اخیر به گونه‌ای دیگر بود و به نظر می‌رسید؛ با آن که «جنبش‌های دینی بدیع در ایران نیز در قرون متمادی روی داده‌اند. اما به دلیل این‌که هنوز سنت‌های دینی در ایران نیرومندند و هنوز بخش زیادی از افراد به نحو دینی جامعه‌پذیر می‌شوند، چندان چالش برانگیز نشده‌اند» (محدثی، ۱۳۹۹). لیکن در طی سال‌های اخیر، تغییر نظام اعتقادی رو به فزونی گذاشته است. در تأیید وجود چنین تغییراتی، محققانی نظیر کرمی‌پور (۱۳۸۹)، نظری (۱۳۹۳)، انصاری، شریعتی و شجاعی‌زند (۱۳۹۴) و امینی،

1. Religious conversion

تاج‌الدین، و نجات حسینی (۱۳۹۹) به بحث و بررسی این تغییر از جنبه‌های گوناگون جامعه‌شناسی و روان‌شناسی پرداخته‌اند. این مسأله را محدثی در مقدمه‌ی کتاب «ادیان چالش برانگیز نوظهور» به‌گونه‌ای مورد پیش‌بینی قرار داده و چنین گفته بود که «در ایران معاصر، به دلیل تضعیف روز افزون جامعه‌پذیری دینی و افول اعتبار تفکر دینی سنتی و کارگزاران رسمی دین سنتی، وضع به سرعت در حال تغییر است و ما با گونه‌هایی از جنبش‌های دینی بدیع مواجه شده‌ایم. لذا می‌توان انتظار داشت که در چند دهه آینده شاهد سر برآوردن انواع جنبش‌های دینی بدیع باشیم» (محدثی، ۱۳۹۹).

بحث از نوگروری «در همه ادیان امری چند بعدی و پیچیده است که می‌توان از زوایای مختلف تاریخی، الهیاتی، کلامی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و انسان‌شناختی بدان نگریست. در عین حال نیز فارغ از تفسیرهای مثبت یا منفی درباره پیامدهای نوگروری یا تغییر دین و این‌که پیروان ادیان به چنین موضوعی، حساس بوده‌اند یا گاهی این مسأله برایشان ناخوشایند است، [می‌توان] به آن توجه کرد» (کرمی‌پور، ۱۳۹۲: ۱۰۰). بنابر یکی از تعاریف «نوگروری دینی به معنی تغییر و تحول در نظام اعتقادات دینی فرد و در نتیجه هویت دینی وی است؛ که می‌تواند حاد یا غیرحاد باشد. نوگروری غیرحاد یعنی تغییر در باورهای دینی فرد بدون ترک آن دین. چنین تغییری، در درون نظام اعتقادی فرد رخ می‌دهد و فرد نسبت به پاره‌ای اعتقادهای خود تجدید نظر می‌کند؛ خواه در مسیر تقویت آن‌ها و خواه در مسیر تضعیف آن (یعنی می‌تواند نوگروری غیرحاد صعودی یا نزولی باشد)» (خضرای، ۱۳۸۸).

نوگروری دینی موردی است که از سوی صاحب‌نظران در جهان مورد توجه قرار گرفته و به بررسی فرآیند، علت‌ها و دلایل‌های تمایل به نوگروری پرداخته‌اند. در تبیین پدیده‌های اجتماعی بین دلیل و علت تفاوت وجود دارد. «علت، مؤثری است که موجود را به نحو ناآگاه، آن هم به نحو لا تخلف به واکنشی وامی‌دارد اما دلیل عبارت است از یک تصدیق آگاهانه در ذهن یک فرد عاقل و باشعور که او آن را انتخاب می‌کند تا عاقلانه بر اساس آن عمل کند» (سروش، ۱۳۶۷: ۵۴-۵۵). بر این اساس، تغییر نظام اعتقادی علت‌گرایانه، هنگامی است که فرد در برخورد با بحران‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، روانی و بدون جست‌وجوی عمیق تغییر نظام اعتقادی می‌دهد. تغییر در نظام اعتقادی دلیل‌گرایانه، تغییری است که فرد با بررسی و تحقیق در متون، سخنان و جلسات به صورت یک جست‌وجوگر به دنبال دلیلی برای پاسخ به سؤال‌های خود می‌گردد و در نهایت بر مبنای اطلاعات به دست آمده از مطالعات و بررسی‌هایش و بعد از

مدتی طولانی جست‌وجوگری تغییر نظام اعتقادی می‌دهد. در نتیجه، افراد در حیطه‌ی زندگی اجتماعی و بر اساس تجربیات خود و بر مبنای علت‌ها و دلیل‌های متفاوت دست به انتخاب می‌زنند. اکنون پرسش این است: در زندگی نوگرونده‌گان تغییر حاد دینی، چه علت‌ها و دلیل‌هایی وجود داشته که منجر به تغییر نظام اعتقادی به صوت حاد در آن‌ها شده است؟ به سخن دیگر هدف مقاله حاضر شناسایی دلیل‌ها و علت‌های تغییر نظام اعتقادی در تجربه زیسته نوگرونده‌گان حاد دینی است.

## ۲. پیشینه پژوهش

پیشینه این مقاله در دو سطح مقالات داخلی و خارجی مورد بررسی قرار گرفته است. در تحقیقات داخلی، رحمتی (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان تغییر مذهب در ایران دوره صفویه با مطالعه اسنادی، به این نتیجه رسیده که با تغییر قدرت و به رسمیت شناخته شدن دین شیعی، امکان تغییر به دین شیعه بیش‌تر بوده است. فرید خضرای (۱۳۸۸) در مقاله‌ای به بحث وحشت نظام‌های سیاسی از نوگروی دینی پرداخته و نوگروی دینی را پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر دانسته است. محدثی (۱۳۸۸) در رساله خود به بحث از فاجعه و نوکیشی پرداخته و تبیین کرده که نوکیشی سبب شکل‌گیری هویت جدید در نوگرونده‌گان است. کرمی‌پور (۱۳۸۹) در مقاله‌ای ۳۰ نفر از نوگرونده‌گان به دین اسلام را با روش کیفی بررسی کرده و نشان داده است که نوکیشان به دلایل خلأهای شناختی و نبود پاسخ‌های قانع‌کننده در دین پیشین و وجود آموزه‌ها و شخصیت‌های کاریزماتیک تاثیرگذار در اسلام، دست به تغییر زده‌اند. کرمی‌پور (۱۳۹۲) در مقاله دیگری در بررسی ۳۰ نفر از نوگرونده‌گان به دین اسلام توضیح داده که تغییر دین در سطوح خاصی از شخصیت اتفاق می‌افتد. نظری (۱۳۹۳) با بررسی ۱۵ نفر از دانشجویان دکتری و فوق لیسانس دانشگاه خوارزمی، تحول در پای‌بندی افراد از منظر نوگروی حاد و غیرحاد را در میان آن‌ها دسته‌بندی کرده است. انصاری و همکارانش (۱۳۹۴) با بررسی ۲۱ نفر از نوگرونده‌گان دین از اسلام به مسیحیت نشان دادند که دلایل این تغییر بیشتر وجود بحران در زندگی افراد نوگرونده بوده است. امینی، تاج‌الدین، و نجات حسینی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با بررسی ۲۶ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران نشان دادند که دانشجویان تحت تأثیر تغییراتی فردی و محیطی قرار گرفته و در نهایت دین‌داری خود را مورد بازاندیشی قرار داده‌اند. نجفی (۱۳۹۹) با بررسی ۹ نفر از نوگرونده‌گان به اسلام نشان داد که هر چند برخی از مراحل دو مدل لافلند - استارک و رمبو را طی کرده‌اند ولی تمامی مراحل در آن‌ها دیده نشده است. سعیدی (۱۳۹۹) تغییر آیین در

دنیای معاصر را بررسی و نشان داده است با آن که نظریه یا مدل مورد قبول در خصوص تغییر آیین جوانان ارائه نشده لیکن می‌توان خطوط اصلی و گرایش‌های حداکثری در این مورد را به تصویر کشید.

در تحقیقات خارجی، لافلند و استارک (۱۹۶۵) به بررسی تغییر دین در فرقه‌های سواحل غربی آمریکا پرداخته و نشان داده‌اند که فرد برای تغییر دین هفت مرحله تنش‌های ماندگار، حل مسأله، جست‌وجو، عدم دلبستگی به فرقه و تعامل فشرده را طی می‌کند. رمبو (۱۹۹۹) تغییر دین را از نگاه نظریه‌های جهانی‌شدن، پسااستعماری، فمینیست، تقابل فرهنگی - دینداری، روشنفکری و روایت‌گری بررسی کرده و جایگاه تغییر دین در هر کدام را تحلیل کرده است. کاکس، میوز و هارت (۱۹۹۹) به تغییرات دین‌داری نوجوانان بر اساس مدل استارک و لافلند پرداخته و توضیح داده‌اند که نوجوانان به دو دلیل ارائه چشم‌انداز جدید در زندگی و فراهم کردن شبکه‌های ارتباطی رضایت‌بخش برای رفع نیازها دست به تغییر زده‌اند. کوز (۱۹۹۹) به شناسایی علل تغییر دین بومیان بریتانیا به اسلام و چرایی انتخاب این دین پرداخته و نشان داده است که نوکیشان به دلیل محدود بودن نقش دین در زندگی اجتماعی خود و به دلیل این که دین اسلام آن‌ها را به سوی زندگی اجتماعی کاربردی هدایت می‌کرد، آن را انتخاب کرده‌اند. هانگ و کلری (۲۰۱۰) نتایج تغییر دین در ۴۰ کشور را چنین توضیح داده‌اند که نرخ‌های تغییر دین‌داری رابطه مثبت و مستقیمی با تکرر دین‌داری، رابطه منفی با محدودیت‌های دینی که برای دین-داران ایجاد می‌کند، دارد.

در مجموع، پیشینه تجربی تحقیق نشان می‌دهد با آن که تحقیقاتی در حوزه تجربه دینی در کشور انجام شده است، لیکن دستاوردهای این تحقیقات با موارد خارج از کشور به صورت جدی مقایسه نشده است.

### ۳. مرور نظری

در زمینه نوگروری دیدگاه‌های متنوعی ارائه شده است، لیکن مقاله حاضر دو دیدگاه عمده لوییس رمبو<sup>۱</sup> و لافلند و استارک<sup>۲</sup> را مورد توجه قرار داده است. تحقیق حاضر به دنبال تأیید یا رد دیدگاه‌های مورد نظر آن‌ها در این حوزه نیست، بلکه این نظریه‌ها برای آشنایی با مفاهیم موجود در این حوزه و تدوین مرور نظری موضوع استفاده شده است.

1. Lewis R. Rambo

2. Lofland & Stark

### ۱-۳. تغییر دین به منزله مصداق تغییر نظام اعتقادی در دیدگاه لوییس رمبو

رمبو در کتاب<sup>۱</sup> خود در تبیین مدل خود به توصیف فرایند تغییر دین به منزله مصداقی از تغییر نظام اعتقادی پرداخته است و «سپس هفت مرحله را به عنوان مدل‌های شناختی بر می‌شمارد که به نظر او مدل کاملی نیست و فقط بر ساختار نوپایی این مدل تأکید می‌کند که بر اثر تحقیق ایجاد شده است» (کرمی‌پور، ۱۳۸۹: ۹۹).

اولین مرحله از نظر رمبو، **زمینه<sup>۲</sup>** یا همان کل محیطی است که تمامی فرآیند تغییر نظام اعتقادی در آن اتفاق می‌افتد (رمبو، ۱۹۹۳: ۴۶). مرحله دوم **بحران<sup>۳</sup>**؛ هم‌چون آتشفشانی را و دار به جست‌وجو می‌کند (رمبو و فرهادیان، ۱۹۹۹: ۷). مرحله سوم، **جست‌وجو<sup>۴</sup>**؛ انسان به دنبال این است که بیش‌ترین استفاده را از معنا در زندگی ببرد و آشفتگی را بر طرف سازد (رمبو، ۱۹۹۳: ۵۶). مرحله چهارم **مواجهه<sup>۵</sup>**؛ در این مرحله فردی که دچار بحران شده و در مرحله جست‌وجو به پاسخ‌های خود نرسیده است، با افراد یا گروه‌ها و ادیانی مواجه می‌شود که سوالاتش را پاسخ می‌دهند (رمبو، ۱۹۹۳؛ کوک، ۲۰۱۶: ۷). مرحله پنجم **تعامل<sup>۶</sup>**؛ فرد پس از مواجهه، تصمیم می‌گیرد تعامل خود را ادامه دهد (رمبو، ۱۹۹۳: ۷۹). مرحله ششم **تعهد<sup>۷</sup>**؛ نوگرونده به‌طور رسمی به جامعه‌ی ایمانی جدید وارد و به تدریج تعهدهای اخلاقی و آیینی را می‌پذیرد (کرمی‌پور، ۱۳۸۹: ۹۸). در مرحله هفتم این روند بر زندگی نوگرونده تأثیر گذاشته و نتایج آن محقق می‌شود (رمبو، ۱۹۹۳، ۱۷۰؛ کوک، ۲۰۱۶: ۱۵۰).

### ۲-۳. تغییر دین به منزله مصداق تغییر نظام اعتقادی در دیدگاه لافلند و استارک

مدل لافلند و استارک بیش‌تر از سایر مدل‌های تغییر دین به منزله مصداق تغییر نظام اعتقادی مورد مطالعه قرار گرفته است. آن‌ها هفت مرحله را در تغییر نظام اعتقادی ارائه داده‌اند (لافلند و استارک، ۱۹۶۵: ۸۶۴-۸۷۳؛ کاکس، ۱۹۹۱: ۲۲۸). اولین مرحله **تنش<sup>۸</sup>** به‌عنوان اختلاف بین امور خیالی، ایده‌آل و شرایطی مشخص می‌شود. مرحله دوم، فرد به دنبال **حل مسأله<sup>۹</sup>** است. در

1 . Understanding Religious Conversion. (1993)

2 . context

3 . crisis

4 . search

5 . encounter

6 . interaction

7 . commitment

8 . Tension

9 . Type of Problem.Solving Perspective

این‌جا، این سوال مطرح می‌شود که افراد در برابر مشکلات خود چه می‌توانند انجام دهند؟ مرحله بعد هنگامی است که فرد با راه‌کارها نتوانست مسأله خود را پاسخ دهد، به دنبال جست‌وجوگرها<sup>۱</sup> می‌رود و سپس وارد مرحله نقطه عطف<sup>۲</sup> می‌شود که عواملی مانند عوامل موقعیتی مطرح می‌شود که زمان‌بندی در آن نقش مهمی دارد. مرحله پنجم پیوند عاطفی یا سهم مؤثر فرقه<sup>۳</sup> اتفاق می‌افتد که فرد ارتباط قوی با پیروان دین دیگر برقرار و به دلیل نبود دلبستگی خارج از فرقه<sup>۴</sup> به دنبال دلبستگی‌های عاطفی در فرقه جدید می‌گردد. در نهایت ارتباط تنگاتنگ با افراد دیگر و تعامل فشرده<sup>۵</sup> رخ که تمام لحظه‌های زندگی تغییرکیش-دهنده را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

### ۳-۳. مقایسه نظریه‌های رمبو، لافلند و استارک

رمبو، لافلند و استارک در تغییر دین به‌منزله مصداق تغییر نظام اعتقادی افراد، ۷ مرحله را تشخیص داده‌اند. در بحث علت‌های تغییر نظام اعتقادی، رمبو مواردی نظیر تجارب عرفانی، تجارب نزدیک به مرگ، مسائل و بحران‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را مورد توجه قرار داده و لافلند و استارک مواردی هم‌چون شکست عشقی، شکست مالی را تأثیرگذار دانسته‌اند. لیکن آن‌ها دلیل‌های دانش‌پژوهانه را به‌عنوان تغییر دین مطرح نکرده و تنها به علت‌های مراحل بحران و تنش توجه داشته‌اند. عطف به نظر آنان، خلاصه مرور نظری در جدول شماره ۱ قابل استخراج است.

---

1 . Seekership  
2 . The Turning Point  
3 .Cult Affective Bonds  
4 .Extra.Cult Affective Bonds  
5 . Intensive Interaction





ارتباطی هستند که در فضای اجتماع بروز می‌یابند. علت‌های اجتماعی-روانی علت‌هایی با ماهیت روانی‌اند که فضای اجتماعی باعث بروز آن‌ها می‌شود؛ مانند شکست عشقی.

### ۵. روش پژوهش

رویکرد روش‌شناختی در این تحقیق کیفی و روش تحقیق تحلیل روایت است. به گفته لبوف «تحلیل روایت، روشی برای گفتگوی مجدد در خصوص تجارب گذشته از طریق منطبق ساختن توالی شفاهی از قضایا با ترتیب وقایع آن‌چنان‌که استنباط می‌شود عملاً اتفاق افتاده، است» (ذکایی، ۱۳۸۷: ۷۰). لبوف و والتزکی برای روایت کامل شش ویژگی چکیده (خلاصه‌ای از موضوع روایت)، جهت‌یابی (زمان، مکان، موقعیت، شریک)، ارزش‌گذاری (معنی و نشانه عمل)، نتایج (در نهایت چه چیز اتفاق افتاد) و موخره (کودا) که چشم‌انداز را به حال بر می‌گرداند، را تبیین می‌کنند (تشت زرین، ۱۳۹۷: ۵۸).

**نمونه: مشارکت‌کنندگان** این تحقیق آن دسته از ساکنان شهر تهران هستند که تغییر دین داده‌اند. شیوه نمونه‌گیری هدفمند بوده است. «این شیوه یکی از روش‌های شایع نمونه‌گیری است که گروه‌های شرکت‌کننده بر اساس معیارهای از قبل مشخص شده مربوط به سؤال ویژه پژوهش انتخاب می‌شوند. پژوهشگر در این روش به صورت فعال نمونه‌های بسیار مولد را برای پاسخ به سؤال پژوهش انتخاب می‌کند، از میان روش‌های متعدد هدفمند، روش گلوله برفی انتخاب می‌شود» (جلالی، ۱۳۹۱: ۳۱۲). در اجرای فن گلوله برفی برای دسترسی به افراد نمونه، از مصاحبه شونده در دست‌رس خواسته شد تا چنان‌چه با نوگروندگان دیگر آشنایی دارد، معرفی نماید. به این ترتیب، تعداد افراد مصاحبه شونده در این تحقیق ۲۰ نفر بوده که ۱۹ نفر از آن‌ها اطلاعات دقیق‌تری نسبت به تغییر نظام اعتقادی دینی خود ارائه داده‌اند. **ابزار جمع‌آوری اطلاعات** مصاحبه‌ی روایی بوده که به‌نحو نیمه ساختارمند طراحی شده است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات از طریق استخراج و بازسازی پیرنگ (توالی اتفاقات نوگرونده) و در نهایت دسته‌بندی علت‌ها و دلایل انجام شده است.

### ۶. یافته‌های پژوهش

در این قسمت ابتدا ویژگی‌های نوگروندگان آورده شده و سپس علت‌ها و دلایل‌های تغییر نظام اعتقادی دینی هر یک به تفکیک آورده شده است.

۱-۶. ویژگی‌های توصیفی نوگرونده‌گان

ویژگی‌های افراد مورد بررسی در جدول زیر (شماره ۲) آمده است:

جدول شماره ۲: ویژگی‌های توصیفی نوگرونده‌گان

شماره	نام مستعار	سن	وضعیت زناشویی	میزان تحصیلات	شغل	پیشینه مذهبی خانواده	نوع مذهب والدین	شغل والدین		دین پیش از تغییر	اعتقادات کنونی
								پدر	مادر		
۱	رهام	۳۲	مجرد	کارشناس ارشد انسان‌شناسی	آموزشی	نسبتاً مذهبی	شیعه	کارمند	خانه‌دار	اسلام/ شیعه	بی‌خدایی
۲	اشرف	۴۵	مجرد	دیپلم تجاری	کارمند	مذهبی	شیعه	آزاد	خانه‌دار	اسلام/ شیعه	بی‌خدایی
۳	آرمان	۴۰	همسرکجوال	دانشجوی انصرافی	بیکار	مذهبی	شیعه	کارگر	خانه‌دار	اسلام/ شیعه	بی‌خدایی
۴	سیما	۳۳	مجرد	کارشناس ارشد مردم‌شناسی	پژوهشگر	نسبتاً مذهبی	مادر شیعه/ پدر سنی	آزاد	خانه‌دار	اسلام	بی‌خدایی
۵	سهراب	۴۰	ازدواج سپید	کارشناس ارشد انسان‌شناسی	پژوهشگر	مذهبی	شیعه	آزاد	خانه‌دار	اسلام/ شیعه	بی‌خدایی
۶	ساسان	۴۵	متاهل	کارشناس کامپیوتر	کارمند	فقط معتقد به خدا	---	آزاد	خانه‌دار	اسلام/ شیعه	بی‌خدایی

تبیین نوگروری حاد در نوگروندگان دینی شهر تهران

شماره	نام مستعار	سن	وضعیت زناشویی	میزان تحصیلات	شغل	پیشینه‌ی مذهبی خانواده	شغل والدین		دین پیش از تغییر	اعتقادات کنونی
							پدر	مادر		
۷	مریم	۴۷	مجرد	دکتری زیست	کارمند	مذهبی	نظامی	خانه‌دار	اسلام/ شیعه	بی‌خدایی
۸	فرنگیس	۲۸	مجرد	دکتری روانکاو	پژوهشگر	مذهبی	کارمند	مدیر مدرسه	اسلام/ شیعه	بی‌خدایی
۹	شهرزاد	۲۸	مطلقه	کارشناس برنامه نویسی	کارمند	نسبتاً مذهبی	کارمند	کارمند	اسلام/ شیعه	بی‌خدایی
۱۰	شیدا	۳۱	مجرد	کارشناس ارشد تصویر سازی	بیکار	نسبتاً مذهبی	کارمند	خانه‌دار	اسلام/ شیعه	بی‌خدایی
۱۱	پرهام	۳۵	متاهل	دانشجوی انصرافی	آزاد- بورس	مذهبی	کارگر	خانه‌دار	اسلام/ شیعه	بی‌خدایی
۱۲	حمید	۴۵	طلاق گرفته	دکتری جامعه‌شناسی	پژوهشگر	مذهبی	آزاد	خانه‌دار	اسلام/ شیعه	بی‌خدایی
۱۳	فرشاد	۴۰	متاهل	کارشناس ارشد فلسفه دین	پژوهشگر	مذهبی	کارگر	خانه‌دار	اسلام/ شیعه	بی‌خدایی

شماره	نام مستعار	سن	وضعیت زناشویی	میزان تحصیلات	شغل	پیشینه مذهبی خانواده	شغل والدین		اعتقادات کنونی
							پدر	مادر	
۱۴	شیده	۳۴	متاهل	کارشناس ارشد روانشناسی	خانه دار	مذهبی	آزاد	خانه‌دار	بی‌خدایی اسلام/ شیعه
۱۵	ملیکا	۴۲	مجرد	کارشناس علوم اجتماعی	کارمند	مذهبی	آزاد	خانه‌دار	بی‌خدایی اسلام/ شیعه
۱۶	نسرین	۳۵	متاهل	کارشناس ارشد آی تی	بیکار	نسبتاً مذهبی	کارمند	کارمند	بی‌خدایی اسلام/ شیعه
۱۷	مرجان	۳۸	متاهل	کارشناس ارشد صنایع	بیکار	نسبتاً مذهبی	آزاد	خانه‌دار	بی‌خدایی اسلام/ شیعه
۱۸	هلیا	۳۳	مجرد	کارشناس ارشد هنر	کارمند	نسبتاً مذهبی	آزاد	خانه‌دار	بی‌خدایی اسلام/ شیعه
۱۹	احسان	۲۶	مجرد	کارشناس ارشد انسان‌شناسی	پژوهشگر	مذهبی	آزاد	خانه‌دار	بی‌خدایی اسلام/ شیعه

همان‌طور که جدول شماره ۲ نشان می‌دهد به طور کلی، ۱۱ نفر زن و ۹ نفر مرد؛ ۷ نفر در گروه سنی ۲۶-۳۳ سال، ۷ نفر در ۳۴-۴۱ سال و ۵ نفر در ۴۲-۴۹ سال و پیشینه دینی خانواده‌گی ۷ نفر کاملاً دینی؛ ۱۱ نفر با پیشینه دینی و اخلاقی و ۱ نفر با خانواده معتقد به خدا، اخلاق مدار و بی‌اعتقاد به دین بوده است.

## ۲-۶. علت‌ها و دلیل‌های تغییر نظام اعتقادی دینی در نوگرونده‌گان

پیش از پرداختن به علت‌ها و دلیل‌های نوگروری دینی، پیرنگ‌های داستان نوگروری مصاحبه - شونده‌گان در داخل قاب آمده است:

### قاب ۱: پی‌رنگ‌های دینی زنده‌گی دینی مصاحبه‌شونده‌گان

۱. رهام: «خانواده‌ام مذهبی بودن و خودم همینطور... فراسوی خیر و شر نیچه روی من اثر گذاشت... حادثه ۱۸ تیر سال ۷۸ اتفاق افتاد... آثار شریعتی و سرش و ملکیان را مطالعه کردم... در دانشگاه درگیر کارهای اجتماعی و سیاسی شدم و یادآوری اتفاقات سال‌های ۷۸ و ۸۸ و ۹۸ و در نهایت تقابل با دین پیش آمد... بعد از آن شکست عاطفی خوردم... اعتقاد به خدا رو کنار گذاشتم».
۲. اشرف: «خانواده‌ام مذهبی بودن و خودم همینطور... پدرم شکست مالی خورد و مادرم خیلی نذر کرد... در مسیر کارم به همکار صمیمی‌ام تجاوز کردند. شوهرش دیگر نخواستش... در محل کارم، یک روز بحث سیاسی-اعتقادی شد. من رو به حراست بردن و اخراج کردن... بعد از ۷ سال خدا رو کنار گذاشتم».
۳. آرمان: «خانواده‌ام مذهبی بودن و خودم همینطور. دچار یک عشق همجنس‌گرایانه‌ی یک طرفه شدم... با دوره‌های سیاسی خاتمی و قضایای ۱۸ تیر در تظاهرات شرکت کردم... پدرم را از دست دادم... در دانشگاه اعتیاد پیدا کردم... از دانشگاه اخراج شدم... و بعد از ۵ سال تبدیل به یک چپ بی‌خدا شدم».
۴. سیما: «خانواده‌ام مذهبی بودن و خودم همینطور. معلم دبیرستانم کتاب‌های مذهبی شیعه به من داد. خانواده پدرم به من کتاب سنی دادند. دچار شک شدم... در دانشگاه با تأثیر دین در جامعه و منافع حکومت‌داران از دین، آشنا شدم... در خونه در مورد ریاکاری دینداران گفته می‌شد... مباحث سیاسی هم تشدیدکننده بود... طی ۷ سال خدا را کنار گذاشتم».
۵. سهراب: «خانواده‌ام مذهبی بودن و خودم همینطور... با یک پیرمرد کتابخوان آشنا شدم که در مورد دروغ‌های طبقه‌ی حاکم و روحانیون می‌گفت... در مدرسه برای نماز، اجبار داشتیم و گاهی وقت‌ها کتک می‌خوردیم... در مسائل سیاسی قتل‌های زنجیره‌ای ناراحت می‌کردم... در دانشگاه دو دوستم خودکشی کردند... طی ۵ سال خدا رو کنار گذاشتم».
۶. ساسان: «خانواده‌ام به خدا اعتقاد داشتند، اما دین رو نه... اطرافیان پدرم بی دین و راستگو بودند اما کسانی که مسجد می دیدم دروغگو بودن... معلم دینی‌مان دروغ می‌گفت... دانشگاه اوکراین قبول شدم. سوال‌هایم بیشتر شد... در بازار کار افرادی رو دیدم که نماز و روزه داشتن ولی اخلاق رو رعایت نمی‌کردند... ازدواج کردم. همسرم به خاطر بداخلاقی پدرش از اعتقادات دست کشید... بعد ۷ سال خدا رو کنار گذاشتم».
۷. مریم: «خانواده‌ام مذهبی بودن و خودم همینطور، در راهنمایی و دبیرستان انجیل، تورات و اوستا خوندم و دیدم همه شبیه هم هستند و شک کردم. پدرم با روحانی آشنا شراکت مالی راه انداخت. شش ماهی گذشت خبری ازش نشد. زندگی‌مان بهم ریخت. پدرم سگته کرد. با اتفاقات سیاسی سال‌های ۷۸ دیدم که نگاهم به دین درسته. در طی ۷ یا ۸ سال فهمیدم خدا ساخته‌ی یک سری انسان‌های فرصت‌طلبه و کنار گذاشتم‌اش».
۸. فرنگیس: «خانواده‌ام مذهبی بودن و خودم همینطور، کتاب‌های نیچه رو خوندم، به دین شک پیدا کردم. ارشد قبول شدم با افراد مخالف عقاید ولی موفق آشنا شدم، عاشق همکارم شدم ولی او با فردی کاملاً سوسول ازدواج کرد و من به دلیل ظاهر مذهبی‌ام اصلاً دیده نشدم. در حالیکه از روی ترس دین رو رعایت می‌کردم، من هم بعد ۵

سال خدا رو کنار گذاشتم».

۹. شهرزاد: «خانواده‌ام مذهبی بودن و خودم همینطور... شروع به خواندن قرآن و معنی آن کردم. نگاه خدا به زن من را خیلی ناراحت کرد... با فرد مذهبی آشنا شدم و در این مورد شکست خوردم... مادرم با این که پایه‌پای پدرم کار و تحصیل کرده بود بهش احترام نمی‌گذاشتن... با خودم گفتم خدایی که به جنسیت اهمیت میده واقعا هست؟... طی ۵ سال خدا رو کنار گذاشتم».

۱۰. شیدا: «خانواده‌ام مذهبی بودن و خودم همینطور... خواهر بزرگتر که از بچگی مریض بود دارم... آشنایانی داشتیم که مذهبی نبودن ولی در زندگی موفق بودند... عاشق فرد دورو دینداری شدم که به من خیانت کرد... به ناحق مال پدر و مادرم رو ازشون گرفتند... اتفاقات ۸۸ پیش امد. اما تلویزیون راستش رو نمی‌گفت... خواهرم هم خوب نشد... طی ۶ سال خدا را کنار گذاشتم».

۱۱. پرهام: «خانواده‌ام مذهبی بودن و خودم همینطور... معلم دینی ما رو با بحث‌های سروش و مولانا آشنا کرد... دیدم افرادی که تو جامعه مذهبی هستند، بیشتر دروغ می‌گن و غیبت می‌کنن... اواخر سال ۸۸ درگیر یک رابطه‌ی عاطفی با فردی با عقیده مخالف خودم شدم... همان موقع انتخابات پیش امد. برادرش دستگیر شد. باز هم عقاید سیاسی خودش را داشت و این باعث جدایی ما شد... خدا رو کنار گذاشتم».

۱۲. حمید: «خانواده‌ام مذهبی بودن و خودم همینطور... کتاب‌های سروش و ملکیان را خواندم... حادثه‌ی دوم خرداد شد... بعد از ازدواج خدا بهم بچه داد که از بازو دو دست نداشت. تنها جوابی که گرفتم این که خواست خدا بوده... همسرم طلاق گرفت... من شروع به مطالعه‌ی فوکو و دین کردم... ماجرای سال ۸۸ خیلی جالب نبود... با ادم مذهبی کار کردم که حقوقم را نداد... خدا رو طی ۸ سال کنار گذاشتم».

۱۳. فرشاد: «خانواده‌ام مذهبی بودن و خودم همینطور... جلسات انجمن حجتیه می‌رفتم... بعد سروش خواندم... ماجرای کوی دانشگاه و قتل‌های زنجیره‌ای اتفاق افتاد... دانشگاه قبول شدم، جامعه‌شناسی خوندم، نگاهم نسبت به دین خیلی متزلزل شد... در انجمن فعال بودم... ارشد قبول شدم اما به من انگ سیاسی زدن و دانشجوی ستاره‌دار شدم و از دانشگاه اخراج شدم... من هم دین رو بیشتر حکومتی دیدم... خدا را طی ۵ سال کنار گذاشتم».

۱۴. شیده: «خانواده‌ام مذهبی بودن و خودم همینطور... مادرم مریض شد... ازدواج کردم... شوهرم نیروی انتظامی کار می‌کرد و به هیچ چیزی اعتقاد نداشت... اما در سرکار تظاهر به دین می‌کرد. مادرم با همه نذر من فوت کرد... موقع طلاق اذیت شدم، چون قانون بیشتر به نفع مردان است... پدرم ازدواج کرد، ما رو از خونه بیرون کرد... مسائل سیاسی اتفاق افتاد و من فهمیدم دین وسیله است».

۱۵. ملیکا: «خانواده‌ام مذهبی بودن و خودم همینطور... در یک عروسی دزدی شد، به خواهر من تهمت زدند... با اینکه دزد را می‌شناختن چیزی نگفتن، اما خدا کاری نکرد، دانشگاه قبول شدم، نگاه‌های جامعه‌شناسان نسبت به دین را خواندم. دوست دانشگاهم به خاطر شکست عشقی خودکشی و فوت کرد. به فرد مذهبی در دانشگاه علاقه مند شدم، خیلی به من بی‌احترامی می‌کرد و خدا را طی ۵ سال کنار گذاشتم».

۱۶. نسرین: «خانواده‌ام مذهبی بودن و خودم همینطور، دوستان اهل حق و بهائیم همیشه خودشون رو پنهون می‌کردن، مادرم به خاطر زن بودن نصف ارث بهش رسید، کتاب‌هایی که نویسندهاشون کمونیست بودن می‌خواندم و عموم که مذهبی بود باعث اختلاف شدید من و بابام شد. بعد از سال ۸۸ با چشم‌های خودم دروغ‌گویی تلویزیون را می‌دیدم و طی ۵ سال خدا رو کنار گذاشتم».

۱۷. مرجان: «خانواده‌ام مذهبی بودن و خودم همینطور... پدرم مریض شد، کنترل خانواده بر من کم شد. با شبکه‌های اجتماعی که رد خدا می‌گفتند، آشنا شدم. سال ۸۸ این مساله بیشتر خودش رو نشون داد. محل کارم هم

### تبیین نوگروری حاد در نوگروندگان دینی شهر تهران

افراد مذهبی‌نما زیاد می‌دیدم. سال ۹۳ با کانال زئوس آشنا شدم. پدرم فوت کرد. به نظرم خدا یک خدای کینه ورزه و من نمی‌تونم بپذیرمش.»

۱۸. هلیا: «خانواده‌ام مذهبی بودن و خودم همینطور. معنی قرآن می‌خوندم و برای من شک پیش آمد. اما نماز و روزه سرچاش بود در دانشگاه متوجه شدم مذهب‌داره من رو خیلی وسواسی می‌کنه. شروع کردم به مطالعه کردن و دوستانم رو تغییر دادم ... سال ۸۸ طرفدار جنبش سبز بودم و اثر شدیدی روی اعتقادات من گذاشت. ماجرای سال ۹۶ برادرم دستگیر شد. ۲۰ روز طول کشید تا آزاد شد... من خدا رو طی ۷ سال کنار گذاشتم.»

۱۹. احسان: «در خانواده مذهبی به دنیا آمدم. بچه طلاق‌ام. بابام برامون ماهواره خرید و یک روحانی برامون آورد او برای ما از راست و دروغ می‌گفت. همون روحانی رو دیدم که با پیرمردی دعوا می‌کرد. به حرف‌های این روحانی بی‌اعتماد شدم. کتاب‌های علوم اجتماعی می‌خوندم. نگاه‌ام به دین تغییر کرد. قتل‌های زنجیره‌ای روی من اثر گذاشت. چون گروه مرجعی نداشتم اصلاً توکل رو درک نمی‌کردم و طی ۵ سال خدا رو کنار گذاشتم.»

طی تحلیل ۱۹ پیرنگ دینی با اشباع داده، نتایج نشان داد که مصاحبه‌شوندگان بر علت‌ها و دلیل‌هایی در انتخاب خود تأکید داشته‌اند. به منظور مشخص شدن فراوانی هر کدام و تأثیر تعداد ریز موضوعات آن‌ها، به تفکیک در جدول شماره ۳ بررسی شده است:

جدول شماره ۳: علت‌ها و دلیل‌های تغییر نظام اعتقادی دینی در نوگروندگان

تعداد نفرات مطرح کننده	تعداد موارد مطرح شده	تفکیک علت‌ها / دلیل‌ها	علت‌ها / دلیل‌ها	
			سیاسی	اجتماعی
۱۵	۱۸	مسائل سیاسی از سال ۷۶ تا ۹۸	سیاسی	اجتماعی
۳	۳	از دست دادن منزلت اجتماعی به خاطر مسائل سیاسی (اخراج از دانشگاه، اخراج از کار)		
۲	۲	سودجویی حکومت از دین		
۷	۷	برخورد با افراد متظاهر دین‌دار بی‌اخلاق در محل کار و زندگی	روابطی	
۶	۶	مهاجرت و کم‌شدن نظارت خانواده		
۳	۵	پایین بودن و وجود تبعیض میان زنان و مردان در اسلام و جامعه		
۵	۵	عضو شدن و شرکت در جلسات غیردینی و مقابله با آن‌ها		
۳	۳	داشتن معلمان دینی ریاکار		
۳	۳	پایمال شدن حق و حقوق خانواده به دلیل مسائل حقوقی و دینی		
۲	۳	آشنا شدن و عضو شدن با گروه‌های غیرمذهبی به وسیله اینترنت		
۱	۱	کسالت پدر و کم‌شدن نظارت خانواده		
۱	۱	دیدن مباحث اجتماعی سیاسی در ماهواره		
۱	۱	اجبار به نماز در مدرسه		
۱	۱	گرایش به مسیحیت، شیطان‌پرستی		

تعداد نفرات مطرح کننده	تعداد موارد مطرح شده	تفکیک علت‌ها / دلیل‌ها	علت‌ها / دلیل‌ها	
			اقتصادی	اجتماعی
۱	۱	اعتیاد		
۱	۱	سکته کردن پدر در اثر کلاه‌برداری	اقتصادی	
۱	۱	شکست مالی پدر		
۷	۷	شکست عاطفی از سوی افراد دین‌دار متظاهر		
۳	۴	نشانه‌ای ندیدن از خدا و دین در بهبود وضعیت زندگی	روانی	اجتماعی
۴	۴	فوت نزدیکان		
۴	۴	عاشق افراد با عقاید بهائی یا بی‌اعتقاد		
۳	۴	طلاق		
۲	۳	نگاه منفی داشتن نسبت به خدا و دین (کینه‌ورز بودن خدا، مذهب عامل شکست)		
۳	۳	بی‌اخلاقی دیدن از سوی دیگران (تهمت ناروا، اختلاف افکنی میان فرد و خانواده)		
۲	۲	خودکشی دوستان		
۲	۲	آشنا شدن با افراد غیرمذهبی موفق		
۱	۱	وسواس داشتن در انجام فرائض مانعی در کار		
۱	۱	تغییر دادن نوع دوستان		
۱	۱	ازدواج مجدد پدر		
۱	۱	هویدا شدن تأثیرات فرزند طلاق (نداشتن یک والد مرجع)		
۱	۱	مبارزه با تعصب مادر نسبت به رفتار و پوشش دختر		
۱	۱	به دنیا آمدن فرزند ناقص		
۱	۱	عشق هم‌جنس‌گرایانه		
۱	۱	تجاوز به همکار صمیمی و فوت دوست		
۱	۱	افتادن مسئولیت اداره خانواده بر عهده فرد		
۱۴	۲۳	مطالعه کتاب‌های فلسفی، جامعه‌شناسی، دینی	دلیل دانش پژوهانه	
۱	۱	مطالعه کتاب‌های عاشقانه		

همان‌طور که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، در موجبات شکل‌گیری پدیده‌ی نوگروی سه دسته‌ی علت اجتماعی (سیاسی، رابطه‌ای، و اقتصادی) و نیز برخی علت‌های اجتماعی-روانی و نیز برخی دلیل‌های دانش پژوهانه قابل شناسایی هستند.



تفکیک علت‌های اجتماعی از سیاسی نشان می‌دهد که مسائل سیاسی سال‌های ۷۶ تا ۹۸، ۱۸ بار از سوی ۱۵ نفر، از دست دادن منزلت اجتماعی به دلیل شرکت در مسائل سیاسی ۳ بار توسط ۳ نفر مطرح شده است. علت‌های اجتماعی از نوع رابطه‌ای شامل برخورد با افراد متظاهر دین‌دار بی‌اخلاق در محل کار و زندگی ۷ بار توسط ۷ نفر، مهاجرت و کم‌شدن نظارت خانواده ۶ بار توسط ۶ نفر، پایین‌بودن حقوق زنان و وجود تبعیض میان زنان و مردان در اسلام و جامعه ۵ بار توسط ۵ نفر، عضو شدن و شرکت در جلسات غیردینی و مقابله با آن‌ها ۵ بار توسط ۵ نفر آمده است. علت‌های اجتماعی از نوع اقتصادی شامل سکتته‌کردن پدر در اثر کلاه‌برداری و شکست مالی پدر هر کدام ۱ بار توسط ۱ نفر مطرح شده‌اند.

**علت‌های اجتماعی - روانی** شامل شکست عاطفی از سوی افراد متظاهر دین‌دار ۷ بار توسط ۷ نفر، نشانه‌ای از خداوند در حل مشکلات ندیدن ۴ بار توسط ۳ نفر، فوت نزدیکان ۴ بار از سوی ۴ نفر، عاشق افراد با عقاید بهائی یا بی‌اعتقاد ۴ بار از سوی ۴ نفر، طلاق ۴ بار از سوی ۳ نفر بیان شده است. **دلیل‌های دانش‌پژوهانه** شامل مطالعه کتاب‌های فلسفی، دینی، اجتماعی با ۲۳ بار توسط ۱۵ نفر، رمان عاشقانه ۱ بار توسط ۱ نفر مطرح شده است. وضعیت هر کدام از علت‌ها و دلیل‌های به دست آمده با توجه به خلاصه مرور نظری در جدول شماره ۴ آمده است:

جدول شماره ۴: تطبیق علت‌ها و دلیل‌ها با خلاصه مرور نظری

نسبت علت‌ها و دلیل‌های به دست آمده و چارچوب مفهومی	تفکیک علت‌ها / دلیل‌ها	علت‌ها / دلیل‌ها
به عنوان علت‌ها در مرور نظری نیامده بلکه عامل تشکیل دهنده	مسائل سیاسی از سال ۷۶ تا ۹۸	اجتماعی - سیاسی
در خلاصه مرور نظری مطرح نشده	از دست‌دادن منزلت اجتماعی به خاطر مسائل سیاسی	
به عنوان علت‌ها در خلاصه مرور نظری نیامده بلکه عامل تشکیل دهنده	سودجویی حکومت از دین	اجتماعی - روانی
شکست عاطفی - لافلند و استارک در مرحله تنش	شکست عاطفی از سوی افراد دین‌دار متظاهر	
در خلاصه مرور نظری مطرح نشده	نشانه‌ای ندیدن از خدا و دین در بهبود وضعیت زندگی	
در خلاصه مرور نظری مطرح نشده، هر چند	فوت نزدیکان	

نسبت علت‌ها و دلیل‌های به دست آمده و چارچوب مفهومی	تفکیک علت‌ها / دلیل‌ها	علت‌ها / دلیل‌ها
تجربه نزدیک به مرگ آمده		
در خلاصه مرور نظری درخصوص شکست عاطفی گفته شده نه علاقه‌مند شدن	عاشق افراد با عقاید بهائی یا بی‌اعتقاد	
شکست زناشویی لافلند و استارک	طلاق	
در خلاصه مرور نظری مطرح نشده	نگاه منفی نسبت به خدا و دین	
ایضاً	بی‌اخلاقی دیدن از سوی دیگران	
ایضاً	خودکشی دوستان	
ایضاً	آشنا شدن با افراد غیر مذهبی موفق	
ایضاً	وسواس در انجام فرائض مانعی در کار	
ایضاً	تغییر دادن نوع دوستان	
ایضاً	ازدواج مجدد پدر	
ایضاً	هویدا شدن تاثیرات فرزند طلاق	
ایضاً	مبارزه با تعصب مادر نسبت به رفتار و پوشش دختر	
ایضاً	به دنیا آمدن فرزند ناقص	
تنش در مدل لافلند - استارک	عشق هم‌جنس‌گرایانه	
در خلاصه مرور نظری مطرح نشده	تجاوز به همکار صمیمی و فوت آن	
ایضاً	افتادن مسئولیت اداره خانواده بر عهده فرد	
ایضاً		
(هر چند مهاجرت شامل مرحله‌ی نقطه عطف است نه علت و دلیل)	مهاجرت و کم‌شدن نظارت خانواده	
در خلاصه مبانی نظری مطرح نشده	برخورد با افراد متظاهر دین‌دار بی‌اخلاق	
ایضاً	پایین‌بودن و وجود تبعیض میان زنان و مردان در اسلام و جامعه	اجتماعی - رابطه‌ای
ایضاً	عضو شدن و شرکت در جلسات غیردینی و مقابله با آن‌ها	
ایضاً	داشتن معلمان دینی ریاکار	
ایضاً	پایمال شدن حق و حقوق خانواده به دلیل مسائل حقوقی و دینی	

نسبت علت‌ها و دلیل‌های به دست آمده و چارچوب مفهومی	تفکیک علت‌ها / دلیل‌ها	علت‌ها / دلیل‌ها
ایضاً	آشنا شدن و عضو شدن با گروه‌های غیرمذهبی به وسیله اینترنت	
ایضاً	کسالت پدر و کم‌شدن نظارت خانواده	
ایضاً	دیدن مباحث اجتماعی سیاسی در ماهواره	
ایضاً	اجبار به نماز در مدرسه	
ایضاً	گرایش به مسیحیت، شیطان پرستی	
ایضاً	اعتیاد	
ایضاً	سکته کردن پدر در اثر کلاه‌برداری	
ایضاً	شکست مالی پدر	اجتماعی- اقتصادی
در خلاصه مرور نظری به عنوان علت‌ها و دلیل‌ها مطرح نشده	مطالعه کتاب‌های فلسفی، جامعه‌شناسی، دینی	دلیل دانش‌پژوهانه
	مطالعه کتاب‌های عاشقانه	

جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که در میان علت‌ها و دلیل‌های به دست آمده تنها فوت نزدیکان، شکست زناشویی و شکست عاطفی در مدل‌های رمبو و لافلند- استارک به عنوان علت-های تغییر نظام اعتقادی دینی در مرحله بحران و تنش مطرح شده، لیکن موارد دیگر در مرور نظری به عنوان علت‌ها و دلیل‌ها نیامده است. مواردی نظیر علاقه‌مند شدن به فرد با عقاید دیگر، مطالعه کردن و مهاجرت در مدل‌های رمبو و لافلند - استارک به عنوان کاری که فرد در مرحله جست‌وجو می‌کند، بیان شده است. اما در این نمونه، مطالعه کردن از سوی نوگروندگان بیشتر به حرکت فرد به سمت ایجاد بحران و شک و تردید منجر شده است. به سخن دیگر علت‌ها و دلیل‌هایی که در این تحقیق به دست آمده در مرور نظری ترسیمی از نظر رمبو، لافلند - استارک مطرح نشده است.

## ۷. بحث و نتیجه گیری

یکی از موضوعات مهم و مورد توجه در دین‌پژوهی، نوگروی یا تغییر نظام اعتقادی دینی است؛ به‌گونه‌ای که محققان و نظریه‌پردازانی نظیر رمبو، لافلند و استارک به ارائه مفاهیم، نظریه و فرآیندهای تغییر دین به عنوان مصداقی از تغییر نظام اعتقادی پرداخته‌اند. در این مقاله، علت‌ها

و دلیل‌های تغییر نظام اعتقادی در نوگرونده‌گانی که دست به نوگروری حاد زده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این تحقیق عبارت است از:

۱. بیشتر تغییر نظام اعتقادی دینی در این تحقیق از نوع معلل بوده و در میان آن‌ها، دلیل‌ها به عنوان عنصری کمکی جهت تصمیم‌گیری بوده است.
۲. دلیل‌های دانش پژوهانه به عنوان عاملی در ایجاد شک و تردید در این نوگرونده‌گان بوده، اما عامل راه‌گشایی جهت تصمیم‌گیری نهایی نبوده است.
۳. میانگین سال‌هایی که فرد دچار تردید شده تا زمانی که تغییر نظام اعتقادی بدهد، نزدیک به ۵ تا ۷ سال بوده است. در تغییر نظام اعتقادی جست‌وجوگرانه مدت تغییر نظام اعتقادی بیش از ۱۰ سال است. این میانگین سال‌های تغییر، نتیجه به دست آمده در باره این که تغییر نظام اعتقادی از نوع تغییر علت‌گرایانه بوده را تأیید می‌کند. تغییر نظام اعتقادی دینی ناشی از جست‌وجوگری طی فرآیندی طولانی رخ می‌دهد و از مراحل مختلفی می‌گذرد. اتفاقات پیش آمده در زندگی نوگرونده‌گان، در شدت یا نوسان تغییر در افراد تاثیر داشته است.
۴. بیشترین علت مورد تأکید نوگروندگان، علت‌های اجتماعی از نوع سیاسی یا اتفاقات اجتماعی- سیاسی که در طول دهه‌های ۷۰ تا ۹۹ روی داده، بوده است. برخی پس از اتفاقات سال ۸۸ و در پی ایراد سؤالاتی از سوی جوانان مبنی بر این که اکنون در این موقعیت چه‌گونه فرائضی هم‌چون نماز را بپذیرند و انجام دهند، ضمن اشاره به تأثیرگذاری منفی برخی (مطهری، ۱۳۹۸) اقدامات سیاسی بر دین‌داری افراد، از عدم مداخلت سیاست در امور دینی سخن گفته‌اند و این‌گونه تأثیرپذیری‌های دین‌داران را از امور و عمل‌کردهای سیاسی ناموجه دانسته‌اند و برخی نیز در مقام پاسخ بدان، از برخورد دوگانه حکومت با دین و استفاده‌ی ابزار غیرقابل دفاع و فاقد وجاهت از دین در بسیاری از اتفاقات سخن گفتند و آن را عامل افول اقتدار اجتماعی دین دانستند (محدثی، ۱۳۸۹). بیان علت‌های اجتماعی- سیاسی از سوی نوگرونده‌گان این تحقیق، این مورد را تأیید می‌کند. در پیرنگ زندگی دینی مصاحبه‌شوندگان متعدد ذکر شده است که علت سیاسی در تکوین نوگروری دینی‌شان نقشی مهمی داشته است.
۵. پس از علت‌های اجتماعی از نوع سیاسی، علت‌های اجتماعی از نوع رابطه‌ای در مرتبه دوم تأثیرگذاری قرار گرفته‌اند. مصادیق آن برخورد با افراد متظاهر دینی، هم‌چنین شکست‌های عاطفی دیدن از سوی افراد متظاهر دینی بوده است. به سخن دیگر، تظاهر به دین‌داری و

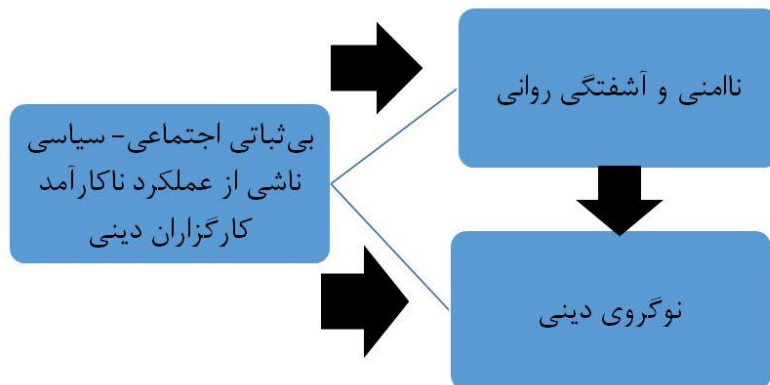
خلاف دستورات دینی و اخلاقی عمل کردن، به تزلزل در نگاه به دین و حقانیت آن منجر می‌شود.

۶. همان‌طور که از تحقیقات کیفی انتظار می‌رود، یکی از مهم‌ترین نتایج این تحقیق شناسایی علت‌های مربوط به زمینه اجتماعی خاص است که در تحقیقات محققان غربی ذکر نشده‌اند. علت‌های مکشوف در این تحقیق در مرور نظری تدوین شده بر اساس نظریات رمبو و لافلند - استارک دیده نشده است. در مرور نظری، تنها علت‌های مرحله بحران و تنش مطرح شده است. اما علت‌ها و دلیل‌های مرتبط به ادامه انتخاب‌های فرد در مسیر تغییر دین را نشان نمی‌دهند. ۷. هم‌چنین مقایسه نتایج این تحقیق با سایر تحقیقات نزدیک به این موضوع، مانند تحقیق امینی، تاج‌الدین و نجات حسینی (۱۳۹۹) هم‌خوانی دارد. آنان در بحث از نتایج پژوهش‌شان به تأثیر تغییرات فردی و اجتماعی بر نگاه دینی فرد اشاره کرده‌اند و علت‌های مکشوف در این تحقیق نیز تأیید کننده تأثیر تغییرات فردی و اجتماعی بر تغییر دین افراد است.

همان‌طور که در نتایج ذکر شد، بیشتر این نوگروها، معلل بوده و دلیل‌ها بیشتر در شدت‌بخشی فرآیند مؤثر واقع شده است. این مسأله را محدثی (۱۳۹۹) در مقدمه‌ی کتاب *ادیان چالش‌برانگیز نوظهور* بیان کرده بود که «این گونه نیست که افراد از میان انبوه مکاتب و گروه‌های دینی و پس از دوره‌ای از پژوهش و جست‌وجوگری دست به انتخاب بزنند. در عالم دیانت، جست‌وجوگری در معنی حقیقی کلمه، امری نادر است. البته به تعبیر جامعه‌شناسانی نظیر برگر و یا جامعه‌شناسان اقتصادگرای دین، در این‌گونه جوامع، بازاری دینی وجود دارد که فرد به دلیل عدم تقید به سنت دینی خاصی، می‌تواند از این بازار دینی، چتر اعتقادی - معنوی خود را ابتیاع کند اما خطاست اگر تصور کنیم که این ابتیاع کردن از بازار دینی، بر مدتی طولانی از زیست جست‌وجوگرانه و محققانه مبتنی است. روی‌آوری فرد به چیزی به ویژه ادیان هم دلیل‌هایی می‌خواهد و هم علت‌هایی دارد. برخلاف تصور ابتدایی، نوگروی دینی بیش از آنکه دلیل - گرایانه (مبتنی بر دلیل‌ها) باشد، علت‌گرایانه (ناشی از علت‌ها) است». نتایج این تحقیق نیز این امر را تأیید کرده است. در مجموع این تحقیق نشان داده است که تغییر نظام اعتقادی دینی در دهه‌های اخیر در جامعه‌ی ایران، بیشتر بر اساس علت‌های اجتماعی از نوع سیاسی، علت‌های اجتماعی از نوع رابطه‌ای، و علت‌های اجتماعی - روانی بوده است.

این موارد همگی نشان دهنده‌ی این است که برخلاف تصور رایج در میان صاحب‌نظران ایرانی، تغییر نظام اعتقادی یا نوگروی بیش از آن که متأثر از شرایط فکری و اندیشگی یا متأثر از

محتوای رسانه‌ای باشد، متأثر از شرایط و زمینه اجتماعی است. در حقیقت، مهم‌ترین دست‌آورد این پژوهش این است که در دورانی که ثبات اجتماعی-سیاسی به‌خاطر مدیریت و عملکرد ناکارآمد کارگزاران دینی وجود ندارد و جامعه آستان انواع ناآرامی‌های اجتماعی-سیاسی است و نیز در شرایطی که امنیت روانی افراد با توجه به علت‌های اجتماعی مختلف به‌خطر می‌افتد، افراد بیش از هر زمان دیگری مستعد تغییر در نظام اعتقادی دینی خود می‌شوند. لذا به‌نظر می‌رسد بر اساس یافته‌های این مطالعه تجربی می‌توان از یک استنباط نظری مهم در تبیین پدیده‌ی نوگروری دینی سخن گفت؛ بدین معنا که می‌توان بین دو متغیر بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی ناشی از عملکرد ناکارآمد کارگزاران دینی و متغیر نوگروری دینی رابطه‌ی علی مستقیم و غیرمستقیم برقرار کرد. به‌نظر می‌رسد بی‌ثباتی اجتماعی-سیاسی حاصل از مدیریت نامطلوب و ناکارآمد کارگزاران دینی می‌تواند به‌طور مستقیم سبب تردیدهای جدی درباره‌ی درستی و حقانیت باورهای دینی در میان اهل دیانت شود. به همین ترتیب، به‌نظر می‌رسد که بی‌ثباتی اجتماعی-سیاسی ناشی از عملکرد کارگزاران دینی سبب ناامنی و آشفتگی روانی در افراد می‌شود و این نیز سپس افراد را در جهت نوگروری دینی و تغییر نظام اعتقادی دینی و وانهادن باورهای دینی سوق می‌دهد زیرا افراد نمی‌توانند به کمک این باورها وضعیت خود را توضیح دهند و بحران روانی خود را حل کنند.



مطابق این مدل تبیینی، بی‌ثباتی اجتماعی-سیاسی ناشی از عملکرد کارگزاران دینی می‌تواند از دو طریق مستقیم و نامستقیم منجر به نوگروری شود. بی‌ثباتی اجتماعی-سیاسی ناشی از

عملکرد کارگزاران دینی از طریق مستقیم، سبب تشکیک در نظام باورهای فرد می‌شود و او را به سمت بازاندیشی اعتقادی در باورهای خود سوق دهد. در این وضعیت بخشی از این افراد به تردیدهای بنیان‌برانداز باورهای دینی می‌رسند و سرانجام باورهای دینی خود را رها می‌کنند و بخشی از آن‌ها نیز می‌کوشند با تفسیرهای جدید باورهای دینی خود را حفظ کنند و از درون دایره‌ی دیانت خارج نشوند. این وضعیت بی‌ثباتی اجتماعی-سیاسی از طریق نامستقیم نیز در فرد ناامنی و آشفتگی روانی ایجاد کند و در پی آن فرد برای فایق آمدن بر مشکل روانی خود، به تلاش در جهت تجدید نظر در باورهای خویش برانگیخته شود. او می‌کوشد به کمک باورهای دینی مسائل روانی خود را حل کند. اما بخشی از این افراد دین‌دار در این مسیر کام‌یاب نیستند و به تشکیک و تردید کامل در باره‌ی نظام اعتقادی خود می‌پردازند. این مدل هم‌چنین می‌گوید ناامنی و آشفتگی روانی چه ریشه در بی‌ثباتی اجتماعی-سیاسی ناشی از عملکرد کارگزاران دینی داشته باشد و چه علت‌های دیگری داشته باشد، می‌تواند سبب تغییر در نظام اعتقادی دینی شود. نکته‌ی مهم توجه به این امر است که به نظر می‌رسد در هر دو حالت، تعداد تشکیک‌کنندگان و تردیدکنندگان در نظام اعتقادی دینی بسی بیش‌تر از کسانی است که به کلی نظام اعتقادی دینی خود را وامی‌نهند. می‌توان بر اساس داده‌های این تحقیق حدس زد که تغییر دهندگان نظام اعتقادی دینی جزئی از کل بزرگ‌تر تردیدکنندگان و تشکیک‌کنندگان در حقانیت و اعتبار نظام اعتقادی دینی هستند. به عبارت دیگر، بخشی از یک فرآیند طولانی تحول در زیست و باورمندی دینی را نباید با جز انتهایی آن برابر گرفت.

مطابق یافته‌های این تحقیق ما در ایران در سال‌های ۸۸ بی‌ثباتی اجتماعی-سیاسی که ناشی از سلطه کارگزاران دینی و عملکرد نامطلوب آن‌ها بوده است، را تجربه کرده‌ایم. این تجربه‌ها با اندیشه‌ها، انتظارات و احساس‌های بخشی از افراد دین‌دار جامعه ما ناهمخوانی جدی و اساسی داشته است. در نتیجه سبب تشکیک و تردید در نظام اعتقادی آن‌ها شده و بازاندیشی درباره‌ی نظام اعتقادی‌شان را در آن‌ها پدید آورده است و در نتیجه آن، برخی از این افراد درگیر در بازاندیشی دینی، به کلی نظام اعتقادی دینی را وانهادند.

## منابع

- امینی، اعظم؛ حسینی نجاتی، سید محمود؛ تاج‌الدین، محمدباقر (۱۳۹۹)، پدیده نوگروری دینی: تجربه زیسته دانشجویان دانشگاه تهران؛ *فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، شماره ۱۵، ص ۱۴۹-۱۷۵.
- انصاری، مریم؛ شجاعی زند، علیرضا و شریعتی، سارا (۱۳۹۴)، بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر تغییر دین از اسلام به مسیحیت؛ *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی*، شماره ۲، ص ۳۹-۶۱.
- تشت زرين، سکینه خاتون (۱۳۹۷)، *جهان زندگی در جمکران*: روایت زندگی منتظرانه؛ تهران: نقد فرهنگ.
- جلالی پور، حمیدرضا (۱۳۹۸)، *نظریه‌های متاخر جامعه‌شناسی*؛ تهران: نشر نی.
- خضرای، فرید (۱۳۸۸)، *وحشت نظام‌های سیاسی از نوگروری دینی*؛ بی‌نا.
- ذکایی، سعید (۱۳۸۷)، روایت، روایتگری و تحلیل‌های شرح‌حال‌انگاران؛ *پژوهش‌نامه علوم‌انسانی و اجتماعی*، ویژه‌نامه پژوهش‌های اجتماعی.
- رحمتی، کاظم (۱۳۸۳)، تغییر مذهب در ایران: دین و قدرت در دوره صفویه؛ *مجله کتاب ماه*، شماره ۸۹، ص ۸۸-۹۷.
- سعیدی، محمد مسعود (۱۳۹۹)، تغییر آیین در دنیای معاصر؛ *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۳، ص ۸۲-۱۰۴.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۶۷)، علت و دلیل در علوم اجتماعی؛ *مجله نامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران*، شماره ۱، ص ۵۳-۷۲.
- کرمی پور، الله کرم (۱۳۸۹)، تحلیل جامعه‌شناختی تغییر کیش (با تأکید بر تغییر کیش از مسیحیت به اسلام)؛ *مجله اسلام و علوم اجتماعی*، شماره ۳، ص ۱۱۴-۸۵.
- کرمی پور، الله کرم (۱۳۹۲)، تغییر دین و تغییر شخصیت؛ *مجله پژوهش‌های ادیان*، شماره ۲، ص ۹۹-۱۱۶.
- لمون، ام. سی (۱۳۸۹). *ساختار روایت، در تاریخ و روایت*، ترجمه جلال فرزانه دهکردی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- لوئیس، جیمز آر؛ پترسون، یسپر اوپور (۱۳۹۹)، *ادیان چالش برانگیز نوظهور*، مترجم: زهره سعیدی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر ارتباطات.
- محدثی گیلوئی، حسن (۱۳۹۹)، جریان‌های دینی و معنوی بدیع؛ بررسی و نقد رویکردهای تبیین‌جهت‌گیری‌های هنجارین و راهبردهای عملی؛ *مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور*؛ جلد دوم، ص ۴۹۳-۵۳۶.



نجفی، مریم، محدثی گیلوئی، حسن (۱۳۹۹). پایان نامه مطالعه‌ی جامعه‌شناختی نوگروری به اسلام. *دانشگاه آزاد تهران مرکز*. دانشکده علوم انسانی. دکتری.

نظری، محمد؛ سراج‌زاده، سیدحسین؛ و محدثی گیلوئی، حسن (۱۳۹۳). پایان نامه مطالعه‌ی تحول در پای‌بندی دینی شماری از دانشجویان دانشگاه خوارزمی براساس تحلیل روایت. *دانشگاه خوارزمی*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، کارشناسی ارشد، جامعه‌شناسی.

Glock, C. Y. (2018), The role of deprivation in the origin and evolution of religious groups. In *Cults in Context* (pp. 147-157). Routledge.

Köse, A. (1999), The journey from the secular to the sacred: Experiences of native British converts to Islam. *Social Compass*, 46(3), 301-312.

Kox, W., Meeus, W., & Hart, H. T. (1991), Religious conversion of adolescents: Testing the Lofland and Stark model of religious conversion. *Sociological Analysis*, 52(3), 227-240.

Lofland, J., & Stark, R. (1965), Becoming a world-saver: A theory of conversion to a deviant perspective. *American sociological review*, 862-875.

Rambo, L. R. (1993), *Understanding religious conversion*. Yale University Press.

Rambo, L. R. (1999), Theories of conversion: Understanding and interpreting religious change. *Social Compass*, 46(3), 259-271.